

گفتگو با وی تک، کارگردان لهستانی نمایش
«با کودکی بزرگ شدن»
[اجرا شده در دومین جشنواره تئاتر عروسکی تهران]

تئاتر، درگیر با فضاهای تازه

مهین صدفی

سیک تئاتر لهستان از کدام عناصر ترکیب یافته است؟ رد پای خاستگاه تئاتر لهستان را که طی قرن‌ها شکل پذیرفته است، باید از نمایش مردم کوچه و بازار، نمایشهای شبیه سازی و تئاترهای خیمه شب بازی روستایی که در ایام کریسمس در روستاها و آبادیها اجرا می شدند آغاز کرد. و سپس نمایشهای میلاد مسیح (ع) و مراسم مذهبی را که همراه با خواندن سرود برپا می شد دنبال کرد و با نمایشهای سورتیه رانی و رقص در کاخها قدم به قدم پیش آمد و در ادامه این راه، اوج الهام بخشی شعر رومانیک و رومانیک نو را که سرانجام به نمایشنامه های امروز لهستان ختم می شوند از نظر گذراند.



امروز سبک تئاتر لهستان با ترکیبی از تئاتر شاعرانه و سیاسی باز نموده می‌شود. سبک امروز تئاتر لهستان، بسیار متنوع و گوناگون است. این سبک، هم از صحنه‌های بزرگ نمایش، نور و رنگهای مضرّ و اوج چشمگیر تئاتری خاطره‌انگیز ترکیب یافته است و هم آمیزه‌ای است از متن، حرکت، صحنه‌های تصویری، موزیک و لال‌بازی و نیز عرضه و اجرای ریاضت‌کشانه بازیگران و دست‌اندرکاران تئاتر. تئاتر «پانتومیم» و آزمونهای «تئاتر آزمایشگاهی برزی گروتوفسکی» که در آن پیکر بازیگر، ماده و رکن رکن تئاتر به شمار می‌آید، به تمامی در تئاتر امروز لهستان سبمی دارند.

وی تک، کارگردان نمایش «با کودکی بزرگ شدن» سی و هشت سال است که در زمینه کارگردانی تئاتر فعالیت می‌کند و پروفیسور مدرسه هنر در ورشو است. با تئاتر ایران چهارده سال پیش در جشنواره کاردیف انگلستان آشنا شده و خیمه شب‌بازی ما را هم در لهستان دیده که بر دست و دلش خوش نشسته است. در جشنواره عروسکی دوم تهران هم نمایش «رستم و زال» از ایران را که اقتباسی است از شاهنامه، بر وسعت نقد و نظر برنشانده و از این روی، این اجرا را چندان قوی نیافته است. در هر حال، وی تک برای نخستین بار است که به ایران می‌آید و از تئاتر عروسکی سنتی ما حظّ بسیار می‌برد و معتقد است که ما باید ریشه‌های این تئاتر را حفظ کنیم و در خطر مواجهه با گرایشهای رایج هنری، مباد و مبادا این نحله مهم تئاتری را از دست بنسیم.

در همین جا باید اعتراف کرد که کار «با کودکی بزرگ شدن» در خور تحسین بسیار است. تئاتری زنده و پرنرژی، سرشار از خلاقیت و برخوردار از تکنیکی قوی که نشانگر شناخت و تسلط کارگردان بر انواع تئاتر عروسکی است: سایه، عروسکهای دستکشی و استفاده درست از بازیگران زنده و تلفیق عروسک و انسان.

و هم اینک وی تک رویاروی ماست. از کدامین مهبّ و مقلّم بیاضازیم که حق مطلب ادا شود و باب سخن گشوده گردد. شاید نگرشی به لهستان دستخوش تطوّر، سثوالی

مناسب باشد. پرسشی که بر ذهن می‌خلد.

○ به راستی جایگاه هنر در لهستان، پس از دگرگونیهای اساسی و بنیادین بلوک شرق، و بعد از فروپاشی و تلاشی رگ و ریشه‌های دست‌درازی سانسور و دیکتاتوری، اکنون چگونه است و بر کدامین محور می‌چرخد؟

● کشور ما در حال تغییر و دگرگونی است. برخلاف یک سال پیش که ما تحت تأثیر دیکتاتوری شوروی بودیم و بالطبع مسائل هنری نیز از این فرآیند جدا نبود، اکنون بافت هنر تغییر یافته است. البته این تغییرات، انقلاب نیست؛ یک اصلاح و رفوم است، ولی سرعت آن همچون انقلاب است.

○ از ارزیابی رسانه‌ها که بگذریم، وی تک حاضر و ناظر در چشم‌دید ماست. داوری او را درباره دامنۀ تحولات لهستان جویا می‌شویم.

● بگذارید من کمی در مورد گذشته و وضعیت آن زمان بگویم. تا یک سال پیش تمام اداره‌ها و موسسه‌های هنری و شرکتهای زیر نظر حکومت بود، ولی اکنون روزنامه و تئاتر خصوصی داریم و بساط کنترل و سانسور برچیده شده است. اما شرایط اقتصادی تغییر نکرده و مشکل اصلی مشکل مادی است. به طور کلی می‌توان گفت کیفیت و کمیت و سبک کار تئاتر در لهستان دستخوش دگرگونی است. در لهستان بیست و هشت گروه حرفه‌ای تئاتر وجود دارد و هر کدام از این گروه‌ها بین بیست تا پنجاه هنرپیشه و یک ساختمان در اختیار دارند. ضمناً بخش خصوصی در حال تشکیل گروه‌های کوچک تئاتری است. البته این آمار فقط مربوط به گروه‌های تئاتر عروسکی است. به طور کلی نمایش عروسکی در لهستان مخصوص بچه‌هاست، ولی نگاه برای بزرگسالان هم اجرا می‌شود.

○ در قطب مقابل «تئاتر وفور»، «تئاتر فقیر» یا «تئاتر بی چیز» قرار دارد که به یاری برزی گروتوفسکی - صاحب نامی معتبر در هنرهای صحنه‌ای - بنیان یافت. او همه چیز

تنی چند از تماشاگران خود را - حداکثر ۳۴ تن - درون آن جای دهد تا بدین سان فوق العاده ترین نوع نمایش را خلق کند، گروتوفسکی در کمال بخشیدن به شگرد بازیگری، انعطاف پذیری جسم و بیان بازیگر، از تئاترهای آسیا سخت تأثیر پذیرفته و به آنها بسیار مدیون است: ابرای پکن،

را به کناری نهاد: طراحی صحنه، جامه ها، بازی با نور، موسیک؛ حتی از خود صحنه نیز چشم پوشید. وی برنامه «تئاتر ریاضت کش» را گسترش می دهد که در آن، بازیگر و پیکر او تنها ماده‌ای است که به کار گرفته می شود. آنچه گروتوفسکی بدان نیاز دارد تالاری تهی است که بازیگران و



کاتا کالی هند و تئاتر نو ژاپن. آقای تک! تأثیر گروتوفسکی در تئاتر لهستان چگونه بوده است؟

● گروتوفسکی برای تئاتر ما خیلی مهم است. او تأثیر و روش کار با هنرپیشه را تغییر داده است. بازیگران از روش او راضی هستند و غالباً دنباله رو او. اما پیتربروک به ما نوعی دیدگاه راجع به تئاتر می‌دهد. بروک چیزی راجع به کار با بازیگر نگفته، بلکه یک دیدگاه کلی در این زمینه مطرح می‌کند.

○ تئاتر هنری پیامگذار است. بدون پیام و نقل و نشر مفاهیم برتابیده از تعهد و ذهن گرایی تئاتر مرده است. پیام تئاتر لهستان در وضع کنونی چیست؟

● اکنون کلّ سازمان تئاتر در حال دگرگونی است. اجراها خیلی زیاد نیست جریانات اجتماعی خیلی سریع پیش می‌روند و پاره‌ای از مشکلات همچنان سر جایشان است.

○ از سطح پرسش قبلی به عمق و درون نقب نزدیم. وضعیت فعلی تئاتر لهستان در مواجهه با آینده خوش بینانه است یا نه؟ یا بهتر بگویم، واقع بینی تلخ و گزنده است یا پوچ اندیشی محض؟

● البته تئاتر آبزورد (absurd) یا تئاتر پوچی در زمان خودش هم خیلی درست نبود.

○ موافق نیستم. شاید بتوان گفت که دیگر این موج چندان رونقی ندارد، ولی در زمان تکوین و تشکّلش، در گیر و دار جنگ دوم جهانی، ناگهان همه ارزشها به ضد ارزش بدل شدند و آرمانها فی الجمله فرو ریختند و انسانها جز مرگ و نیستی، فقر و فلاکت و سیه روزی و کشتارهای دسته جمعی - که هیچ کس نمی‌دانست چه آینده‌ای پیش روی خواهد داشت - اردوگاههای کار اجباری، آدم سوزی و هزاران بدبختی دیگر، و از همه مهمتر، شرایط اختناق و جوّ سانسور شدید که کسی قادر نبود علیه حکومت فاشیستی حرفی بزند، فرجامی نداشتند و یأس و ناامیدی کلی بر انسانها چیره گشت و از همین جا پایه‌های شکل‌گیری تئاتر آبزوردی به وجود آمد.

● می‌پذیرم که تئاتر آبزورد زائیده شرایط جنگ جهانی و نابسامانیهای ناشی از آن است، ولی حالا در کشور ما تئاتر پیشرو است ... گروتوفسکی، تادئوش کانتور، یوزف شانیا و موتجیک، بیشتر اینها مطرح اند و گروتوفسکی هم تحت تأثیر شانیاست. به طور کلی همان طور که گفتم، ما بعد از سالها داریم از زیر فشار دیکتاتوری شوروی خارج می‌شویم و گروههای مستقل تئاتری در حال شکل گرفتن هستند. و در کل با مسائل زیادی دست به گریبان هستیم. ولی به هر حال تلاش می‌کنیم تا کار در حد امکان قابل عرضه باشد.

○ حسن ختام این گفتگو، سنجه‌ای است از وی‌تک درباره ایران و تماشاگر ایرانی تئاتر.

● تماشاگران شما فوق‌العاده خوب و صمیمی هستند. ارتباط خیلی خوبی با نمایش برقرار می‌کنند. چیزی که برایم خیلی جالب است این است که من در آمریکا و شوروی و ایران نمایش «با کودکی بزرگ شدن» را اجرا کردم و مردم این سه کشور، با شرایط جغرافیایی و فرهنگهای مختلف، به کار نگاه کردند، اما عکس‌العمل مردم در هر سه کشور یکسان بود. دوست داشتم تماشاگر لهستانی هم مثل تماشاگر ایرانی بود ... ما در لهستان گاهی متحد هستیم ... ده سال پیش مردم ما متحد بودند، ولی حالا بر سر مسائل جزئی اختلاف داریم.